

بایسته‌های گفتاری - رفتاری پاسخ به شبهات در سیره رضوی

حسن خرقانی^۱

البرز محقق گرفمی^۲

چکیده

پاسخگویی به شبهات، بر پایه‌هایی شناختی استوار است که به شکل‌هایی از قبیل مناظره، جدل، گفتگوی دوسویهٔ روشمند و یا نگارش نامه، رخ می‌نماید. شناخت روش‌های گفتاری - رفتاری پاسخگویی به شبهات در سیره و تعالیم امام رضا علیه السلام، در فراهم‌آوردن الگوی مناسب آداب شبهه‌پژوهی بسیار اثربخش است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین بایسته‌های گفتاری - رفتاری پاسخ به شبهات در سیره رضوی و به روش تحلیل - استنتاجی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، سامان یافته است. نمونه‌هایی از این بایسته‌ها عبارتند از: توجه به مقدمات و لوازم سخنوری، استحکام برهان و استدلال، شوق‌انگیزی در مخاطب برای حق‌جویی، اطمینان‌بخشی و اقناع مخاطب، محترم شمردن اندیشه‌ورزی و آزادی بیان، دفاع از حقانیت ادیان توحیدی در برابر جبههٔ کفر، هشدارهای اثربخش و پرهیز از آفات پاسخگویی و مناظره.

واکاوی‌ها حاکی از آن است که امام رضا (ع) با بهره‌گیری از اصول و قواعد اخلاق اسلامی، شناخت دقیق مخاطب و خاستگاه‌های ایجاد شبهه در هنگامهٔ مواجهه با شبهات، پاسخ‌هایی را بیان می‌فرمایند که توجه به آن‌ها، در نظام‌سازی روش‌های پاسخگویی به شبهات بسیار مفید و کارگشاست.

کلید واژگان: شبهات، آداب پاسخگویی، روش گفتاری - رفتاری، سیره رضوی

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسوول) h.kharaghani@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی mohaghegh.gr@gmail.com

۱. مقدمه

از آنجا که اختلاف میان مردمان در امور دینی و دنیایی سابقه‌ای به درازنای تاریخ تفکر آدمی دارد، شناخت راه‌های رفع این اختلاف بایسته می‌نماید. یکی از این راه‌ها، سامان‌دادن گفتگوی منطقی بر اساس مقدمات، ضوابط و روش‌هایی است که سبب اقناع مخاطب می‌شود (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۵). آداب گفتگوی علمی، مناظره و پاسخگویی به شبهات را به اعتبار دسته‌بندی‌های گوناگون می‌توان به آداب شخصی، علمی، گفتاری، رفتاری و عمومی تقسیم کرد (زمزمی، ۱۴۱۴: ۱۱۳). تواضع، عزتمندی، پایداری بر حق، احترام به طرف دیگر، تسلیم در برابر حق، اخلاص، انصاف و عدالت بخشی از آداب شخصی پاسخگویی به شبهات هستند (خصوصاً، بی‌تا: ۲۰۰-۲۰۸؛ ابن‌حمید، ۱۴۱۵: ۳۲ و ۳۶؛ کامل، بی‌تا: ۶). دانش کافی، آغاز کردن از مبانی و نقاط مشترک، استدلال‌گرایی، بیان آشکار و منطقی نیز نمونه‌هایی از شرایط علمی مناظره دوسویه است (ابن‌حمید، ۱۴۱۵: ۱۴؛ کامل، بی‌تا: ۶ و ۱۹؛ خصوصاً، بی‌تا: ۲۲۲-۲۴۰). برخی از آداب گفتاری نیز عبارتند از: گزیده‌گویی، برساختن عبارات‌های متناسب، استفاده از تلمیح به جای صراحت و گفتار سامان‌یافته (شهود، بی‌تا: ۱۱۶؛ کامل، بی‌تا: ۱۱-۱۳؛ خصوصاً، بی‌تا: ۲۰۹-۲۱۱). آداب و قواعد رفتاری و گفتاری پاسخگویی به شبهات در کنار به‌کار بردن اسلوب‌های استوار علمی را می‌توان دو گام در ساختن دستگاه پاسخگویی به شبهات نامید. پیمودن گام اول از دو طریق ممکن است: ۱- استفاده از دانش‌های اخلاق و روان‌شناسی ۲- روش‌شناسی برخی مناظرات به عنوان نمونه. از آنجا که پژوهش‌های یادشده در پیشینه به روش‌شناسی یا الگوسازی برای پاسخگویی به شبهات توجه کافی نداشته‌اند، یافتن اسلوب رفتاری - گفتاری پاسخگویی به شبهات، بسیار بایسته می‌نماید.

از دیگر سو، اهل بیت پیامبر رحمت(ص) افزون بر بهره از برترین اخلاق، آگاه‌ترین افراد به روش‌های مناظره و پاسخگویی به شبهات و دفاع از کیان عقاید اسلامی هستند. از این‌رو، توجه در سیره آن‌ها با رویکرد روش‌شناسانه، الگویی مناسب برای ساختن الگوریتم رفتاری و اخلاقی پاسخگویی به شبهات فراهم خواهد آورد. در میان مناظرات امامان (ع)، گونه‌های مختلف شبهات و مناظرات عصر امام رضا (ع)، در کنار وجود کانون‌های گوناگون شبهه‌گر نمونه‌ای مناسب برای بازپژوهی شمرده می‌شود. پژوهش حاضر که در رده ارتباطات و تبلیغ دینی قرار می‌گیرد، از یک‌سو با مسائل نوین علم کلام پیوند دارد و از سوی دیگر با اخلاق عملی اسلامی. به دیگر سخن، این نوشتار با پی‌جویی سنت و سیره رضوی، درصدد یافتن الگوی مناسب رفتاری - گفتاری مواجهه با شبهه‌گران است که از این نظر، محتوایی نظری برای اخلاق کاربردی و روش‌های تبلیغ دینی فراهم می‌آورد.

۲. پیشینه بحث

اصول، قواعد و آداب گفتگوی دانش‌بنیان، همواره مورد توجه دانشوران علوم گوناگون، به‌ویژه علم اخلاق و رفتارشناسی، بوده است. این موضوع در کتاب‌های دانش‌های منطقی و کلام نیز با بیان روش گزاره (پیام)‌شناسی و روش کَلّی رویارویی با پیام‌ها، پی گرفته شده است، اما در این کتاب‌ها نه تعریفی جامع از شبهه ارائه شده و نه از اسلوب پاسخگویی به شبهات سخنی رفته است.

نوشته‌های فراوانی درباره آداب اخلاقی و رفتاری مناظره و جدل سامان یافته است. برخی از نوشته‌ها مانند «ادب الحوار فی الاسلام» نوشته محمد سید طنطاوی و «الحوار فی القرآن الکریم» محمد حسین فضل‌الله، بخش‌هایی را به انواع گفتگوهای مبتنی بر پرسشگری در قرآن و سنت نبوی اختصاص داده‌اند که جنبه تفسیری آنها پررنگ است. برخی دیگر، مانند «اصول الحوار و آدابه فی الاسلام» به کوشش صالح بن عبدالله بن حمید، «الحوار، آداب و أخلاق و ثقافة أمّه» نوشته محمد فنخور عبدلی و جزوه عمر عبدالله کامل با نام «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» به دسته‌بندی آداب گفتگو و بیان بایسته‌های اخلاقی دوسوی مناظره پرداخته‌اند. کتاب «الحوار، آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه» به قلم یحیی زمزمی، یکی از بهترین پژوهش‌ها در دسته‌بندی آداب و روش‌های انواع گفتگوست.

با این‌همه، آداب و اسلوب رفتاری در پاسخگویی به شبهات کمتر مورد توجه دانشوران قرار گرفته است. همسان‌انگاری میان مناظره و شبهه‌پژوهی، یکی از دلایل احتمالی نبود نوشتارهای مستقل در این زمینه است. کتاب‌هایی چون «روش‌شناسی علم کلام، اصول استنباط و دفاع در عقاید» به کوشش رضا برنجکار و «روش‌شناسی پاسخگویی به پرسش‌های اعتقادی» به قلم محسن عباسی، بخش‌هایی از پژوهش خود را به بیان برخی آداب پاسخ به شبهات اختصاص داده‌اند. مقاله محی‌الدین عطیه در مجله الحوار و نیز مقاله «ادب الحوار و شرائط الجدل» از یوسف قرضای در شماره ۱۶۰ ماهنامه العالمیه، در همین راستا قابل ارزیابی است.

پژوهش حاضر با محور قرار دادن سیره و احادیث رضوی، در پی بازیابی الگوی رفتاری - گفتاری حاکم بر فرایند پاسخگویی به شبهات توسط وجود مقدس عالم آل محمد حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. برای این منظور، روایات منقول از حضرت در جوامع حدیثی به دقت تحلیل شده است. پس از کشف الگوی رفتاری - گفتاری حضرت در هر یک از نمونه‌های بررسی شده از موارد پیش‌گفته، دسته‌بندی منطقی آن‌ها در پانزده رده سامان یافت و عنوان متناسب با هر الگو تعیین شد. همچنین توضیحات عمومی لازم درباره هر یک از آنها تبیین شده و نمونه‌های متناسب، ذیل هر عنوان قرار گرفتند.

۳. مفهوم شناسی

از آنجاکه این پژوهش در پی یافتن اسلوب‌های اخلاقی و رفتاری امام هشتم (ع) در پاسخگویی به شبهات است؛ شناخت دو مفهوم شبیهه و الگوی رفتاری - گفتاری پاسخگویی، ضروری است. در ادامه، تبیین این دو مفهوم پی گرفته خواهد شد.

۳-۱. شبیهه

شبیهه بر وزن فعله، برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، مانده حق (به‌مانند حق) و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۴۰۴/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۳/۳؛ صبحی صالح، ۱۳۸۶: ۸۱). این کلمات نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چستی و چگونگی است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۴۳). پس، هر گاه پدیده‌ای بیهوده و باطل، خود را به شکل پدیده حقیقی و استوار در آورد، مورد پذیرش گسترده قرار می‌گیرد. از همین رو، به آن پدیده نادرست شبیهه می‌گویند.

۳-۲. شبیهه در اصطلاح علم کلام

هر دستگاه صحیح فکری، متشکل از دسته‌ای از گزاره‌ها و روند استدلال است. برای نمونه، برهان، قیاسی منطقی است که از مقدمات یقینی تشکیل شده و غرض از آن اثبات حق است.

استدلال منطقی + دسته‌ای از گزاره‌های صحیح = دستگاه فکری صحیح

دستگاه شبیهه‌سازی فاقد حداقل یکی از این مؤلفه‌های دانش‌محور است. شبیهه بر نوعی استدلال یا برهان نیمه‌تمام استوار است که فاقد مؤلفه‌های پیش‌گفته است. ارکان شبیهه عبارتند از: الف) حقیقت؛ ب) مشابه حقیقت؛ ج) وجه مشابهت؛ د) میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب التباس و خطا می‌شود.

بر این اساس، هر انگاره استدلال‌گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کج‌تابی در شناخت درست آن‌ها می‌شود، شبیهه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست، بلکه شبه‌استدلالی است که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست، درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.



۳-۳. الگوی رفتاری - گفتاری پاسخ به شبهات

الگوی رفتاری - گفتاری پاسخگویی به شبهات، مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهاست که بر اساس آگاهی از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شناخت روحيات مخاطب و شنونده بیرونی، جریان‌های سیاسی و... با استفاده از منابع دینی به شکل روشی اخلاقی و کنش‌های عملی، جلوه‌گر می‌شود. این روش‌ها به شکل مستقیم با متن شبهه و پرسش پیوند نمی‌خورد، ولی به‌گونه‌ای غیرمستقیم بر حل شبهه، اقناع مخاطب و شنونده کارگر خواهد بود. شمار فراوانی از آیات قرآن کریم دربردارنده احتجاج و کلام همراه برهان در موضوعاتی چون توحید، عدل، نبوت و معاد در مقابل نابوران و شبهه‌گران است. اشاره قرآن کریم به بایستگی و نیاز به جدال احسن (نحل: ۱۲۵)، نشانه‌ای بر تشویق برای یافتن اسلوب و الگوی متناسب علمی، گفتاری و رفتاری در پاسخگویی به شبهات و گره‌های ذهنی و عملی است؛ الگویی که برای نمایاندن حق و دفاع از باورهای دینی بسیار ضروری می‌نماید.

۴. جریان‌شناسی شبهه‌گران و گونه‌شناسی شبهات در عصر رضوی

توسعه علوم مسلمین در عصر صادقین علیهما السلام و گسترش قلمرو سرزمین اسلامی در سال‌های بعد، سبب آشنایی مسمانان با مکاتب فکری یونان، هند، ماوراءالنهر و ایران باستان شد. در عصر ولایتعهدی ظاهری امام رضا (ع) نیز در منطقه خراسان، پیروان مسیحیت، یهودیت، زرتشت و صابئان در کنار بدنه اصلی امت که پیرو مکتب خلفا بودند، زندگی می‌کردند (علوی، ۱۳۷۹: ۱۸-۳۰). فطحیه، واقفیه، زیدیه، اسماعیلیه و نیز گالیان مهم‌ترین گروه‌های منتسب به شیعه بودند که سبب پیدایش شبهات فراوان درون‌مذهبی در زمانه امام هشتم علیه السلام گردیده بودند. برای نمونه، واقفیه با انگیزه‌های مالی و سیاسی، امتداد امامت پس از امام هفتم (ع) را منکر شده و زمینه‌ساز پیدایش شبهات فراوانی پیرامون ویژگی‌های امام، مهدویت و پایان امامت شده بودند (شهرستانی، ۱۴۰۴: ۱۶۸/۱).

شبهه‌گران عصر رضوی را در سه رده کافران ملحد، اهل کتاب و مسلمین می‌توان تقسیم کرد. باورمندان به اصالت ماده و طبیعت، مشرکان عرب و معتقدان به تناسخ، باورمندان به قدرتمندی شر و دوگانه‌گرایان، گونه‌هایی از کافران این دوره بودند. اهل کتاب نیز خود به چهار گروه مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و صابئان تقسیم می‌شدند. مسلمانان شبهه‌گر نیز سه دسته شیعی مذهب، عامه و خوارج را شامل می‌شدند. عامه خود در گروه‌هایی چون معتقدان به جبر الهی، باورمندان به تفویض و مجسمه قابل ارزیابی بودند. شیعیان نیز به گروه‌هایی چون واقفیه، گالیان و باورمندان به تأثیر نجوم رده‌بندی می‌شدند (واسعی، ۱۳۸۸:

۱۳۳). در این میان نیز افرادی مانند حسین بن خالد، تنها حامل شبهه بوده (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۶/۲) و در برساختن و باور به شبهه، هیچ نقشی نداشتند. از این رو، بهتر است این افراد را «کانون‌های متأثر از شبهه» بنامیم.

موضوعاتی مانند آموزه‌های حوزه توحید و نبوت مانند کیفیت صفات الهی، خلقت اولیه، هدف از ارسال پیامبران، چگونگی عصمت و برهان برای شفاعت آن‌ها، دلایل اثبات نبوت، اعجاز قرآن، ظواهر و بطون قرآن و توسل به پیامبران را در میان شبهات این دوره می‌توان برشمرد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۹۶/۲-۴۱۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۱۵/۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۲۱/۵-۳۲). همچنین، مواردی پیرامون چیستی امامت، نیاز به امام و لزوم آن، فضایل امام علی (ع) و تقدم ایشان بر سایر صحابه، غصب فدک، علم امامان، عصمت ایشان، صفات معصومین (ع)، دلایل اثبات امامت امام هشتم علیه السلام و حکومت ناحق خلفا، برخی از شبهات پیرامون امامت در آن دوران بودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۱۲/۱ و ۲۴۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۵/۳۳-۵۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۳۲/۲-۴۴۰).

برخی از مهم‌ترین گونه‌های روش‌های شبهه‌گری در عصر رضوی، به شرح زیر است: پرسشگری بیهوده و شبهات ناستوار بر برهان، بهره‌گیری از مغالطه کوچک‌نمایی و تخصیص توسط مأمون در شبهه‌گری به مقام اهل بیت علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۴۸/۱)، مغالطه تجسم و انگاره وجود حقیقت خارجی برای امور انتزاعی، سودجستن از مغالطه اکثریت در اثبات حقانیت مکتب خلفا توسط یحیی بن ضحاک (همان: ۲۳۲/۲)، استفاده از مغالطه گنه و وجه توسط مأمون در مقایسه رفتار هر معترض سیاسی با زیدبن موسی (ع)، دستاویز قراردادن دور در شبهه زندقی درباره آفریده نخستین، به‌کاربردن دروغ در شبهه انتساب اندیشه غلو به همه شیعیان و کاربست مغالطه نیافتن دلیلی معتبر در شبهه اثبات وجود خداوند متعال.

۵. روش‌های رفتاری - گفتاری امام رضا (ع) در پاسخ به شبهات

بنا بر گزارش ابراهیم‌بن عباس، رعایت آداب مناظره و دانش فراوان امام هشتم (ع) برای همه دانشوران روزگار حضرت آشکار بود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۰/۲). از آنجاکه این نوشتار در پی یافتن اسلوب رفتاری - گفتاری مناسب پاسخگویی به شبهات بر مبنای سیره رضوی است، تمامی روش‌ها و نمونه‌های پیش رو با استفاده از مطالعه در احادیث امام، گزارش‌های تاریخی مربوط به زمانه و نیز نگاه‌های آن حضرت، سامان یافته است. برخی از این روش‌ها به شرح زیر هستند:

۵-۱. احترام به مخاطب و اهانت نکردن به مقدسات او

هرچند پاسخگویی به شبهات با رویارویی نقادانه همراه است و انکار نظریات رقیب را در پی دارد، لکن حفظ فضای محترمانه در شمار حقوق شبهه‌گر قرار می‌گیرد. این رفتار، شخصیت شبهه‌گر را در نظر دیگران نمی‌کاهد و سبب تشویق او به پذیرش حقیقت خواهد شد. گفت‌وگو آمیخته با احترام و پاسداشت مخاطب، یکی از روش‌های برقراری ارتباط عاطفی و روانی با او در جهت تفهیم بهتر مبانی علمی است که قرآن کریم نیز به آن توجه داده است (حجرات: ۱۱). قرآن کریم یکی از محرک‌های انگیزشی لجاجت را، اهانت به مقدسات مخاطب می‌داند (انعام: ۱۰۸)؛ چرا که در محیط آمیخته به ناسزاگویی، استدلال‌های علمی و منطقی تأثیرگذار نخواهند بود. توصیه حضرت علی (ع) به پرهیز از کلام ناروا و آمیخته با توهین در بحبوحه جنگ با شامیان (صبحی، ۱۳۸۶: ۳۲۳)، نشان از اخلاق‌مداری پیروان راستین اسلام در سخت‌ترین شرایط دارد. شیخ اجل نیز در این باره می‌نویسد: «سنت جاهلان است که چون به دلیل از خصم فرو مانند، سلسله خصومت بجنابند» (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۶۶). قرآن کریم، فرعون را یکی از افرادی می‌داند که پس از درمانده‌شدن در برابر پاسخ‌های استوار حضرت موسی (ع) بر شبهه وجود پروردگار هستی، به توهین و تهدید روی آورد (شعراء: ۲۹) لذا زوده‌بودن کلام از طعنه، درشت‌گویی، تجریح، تمسخر و گونه‌های کوچک‌نمایی شبهه‌گر، از ویژگی‌های پاسخ مناسب است (ابن حمید، ۱۴۱۵: ۲۵).

امامان شیعه (ع)، مبانی فکری و آموزه‌های خویش را بر آزادی عقاید، احترام به صاحبان آن‌ها، ترک دشمنی و تحمیل نکردن عقیده استوار کرده بودند (آقائوری، ۱۳۸۷: ۲۵۶) و در سفارش‌های فراوانی، پاس‌نداشتن حریم مخاطب و فروکاستن منزلت او را ناروا شمرده‌اند (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۷۲). آنان همچنین، به وابستگی‌های مذهبی - عاطفی مخاطبان توجه ویژه‌ای داشتند و در گفتگوهای خود با پیروان مذاهب، سبب تحریک احساسات مذهبی و فرقه‌ای نمی‌شدند. گزارش‌های فراوانی از سفارش امامان علیهم السلام به سنجیده‌گویی درباره اصحاب پیامبر رحمت (ص) وجود دارد (بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۸/۳۹۶-۴۰۲).

امام رضا (ع) نیز به نقل از امام صادق (ع) می‌فرماید: «خاندان پیامبر همگی بر این باورند که باید درباره اصحاب پیامبر، به بهترین وجه سخن گفت» (رازی، ۱۴۰۸: ۵۰/۱). ایشان بر همین اساس شیعیان مناطقی را که مورد اهانت پیروان عثمان قرار می‌گرفتند، به بردباری در دولت باطل سفارش می‌نمودند (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۴۷/۸). پاسخگویی مستدل به شبهه‌گری بی-احترامانه حسین بن قیاما (ابن بایویه، ۱۳۷۸: ۲۰۹/۲)، رعایت منزلت اجتماعی و دینی پیشوای یهودیان و مسیحیان در هنگامه مناظره (همان: ۱۵۸/۱) نمونه‌هایی از این احترام است.

۵-۲. رعایت آداب سخنوری و حفظ آرامش در سپهر گفتگو

یکی از شالوده‌های اثربخشی در مخاطب، بهره‌وری از سخن نرم، خوب گوش‌دادن و آهنگ گرمابخش در سخنوری است. قرآن کریم، افزون بر راهنمایی به بهترین شیوه گفتاری (اسراء: ۵۳، بقره: ۸۳)، یکی از راه‌های برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب را مبتنی بر گفتمان و لحن متناسب و آرام می‌داند. امام باقر (ع) نیز در این باره چنین توصیه می‌فرماید: «نیک گوش‌دادن را فرا بگیر، همان‌گونه که سخن نیک را می‌آموزی؛ و کلام هیچ کس را پیش از پایان آن قطع نکن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۱).

امام رضا (ع) برای رسیدن به درک همدلانه با مخاطب، کلام را به نرمی و توازن بیان فرموده و از سخنان رنج‌آور خودداری می‌کردند. نمونه‌هایی از کاربردی نظام‌پسندیده رفتاری - گفتاری در سیره رضوی، به این قرار هستند: استقبال از مناظره‌گران با عبارتهای آمیخته با محبت و احترام، استوارسازی سخن بر انگاره‌های معتدل همه‌پذیر، رفتار متواضعانه در مجلس گفتگو، قطع‌نکردن سخن گوینده با وجود استدلال نادرست، رعایت آداب نامه‌نگاری در نوشته‌های حاوی شبهه و پذیرش گرم از منصرفان از اندیشه نادرست. نتیجه این رفتار، کاسته‌شدن حرارت و شور شبهه‌گران و تمایل آن‌ها به پذیرش مبانی حق است تا جایی که افرادی مانند فتح بن یزید جرجانی و احمد بن محمد بزنطی، به سبب پاسخ‌های دقیق امام به شبهات، از اندیشه نادرست خود دست شسته و به تشیع گرویدند (حلی، ۱۴۱۱: ۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۷۱).

ابراهیم بن عباس رفتار امام رضا (ع) را در پاسخگویی، چنین گزارش می‌کند: «من هرگز حضرت ابی‌الحسن الرضا (ع) را ندیدم که در سخنش به کسی ستم کند و بد بگوید و ندیدم سخن کسی را قطع کند، بلکه صبر می‌کرد تا او از سخن گفتن فارغ می‌شد بعد از آن تکلم می‌فرمود» (اربلی، ۱۳۸۱: ۳۱۶/۲). این ادب‌ورزی تا بدانجا بود که امام در مقابل همنشینان هرگز به چیزی تکیه نمی‌زدند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۶۳/۲).

پرهیز از اطناب و سخنان دشوارفهم در کنار گزیده‌گویی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های گفتاری امام هشتم علیه السلام در پاسخ به شبهات است. برای نمونه، امام (ع)، در پاسخ شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با دستور الهی به انجام تکالیف، توجه به عدل الهی را راه‌حل فهم صحیح کیفیت تکالیف دانستند. همچنین، در شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، پاسخی جز دعوت به اندیشیدن پیرامون ناتوانی انسان در برابر خالق ارائه نکردند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۴/۲). این گزیده‌گویی در مواردی رخ می‌نمود که شبهه برآمده از تفسیر نادرست، از آموزه‌های بنیادین اسلام می‌بود. در چنین مواردی، توجه‌دادن به نادرستی بنیان‌های عقیده مخاطب، ساختمان شبهه را فرو می‌ریزد و دیگر نیازی به تبیین و تشریح جزئیات و فروع نیست.



همچنین، پرهیز از کاربست واژگان نامتعارف به‌ویژه در مسائل اعتقادی، سبب گسترش فهم آموزه‌ها در لایه‌های شناختی گونه‌های متفاوت مخاطبان می‌شود. بر همین اساس، علی (ع)، پیراستگی سخن از پیچیدگی‌ها را سبب فهم آسان آن برای همه گروه‌های مخاطبان و مایه بلاغت کلام دانسته است (لیثی، ۱۳۷۶: ۵۶ و ۱۲۴). تبیین معانی مجازی و رهنمون شدن به روح معنا در شبهات حوزه صفات الهی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۳) نمونه‌های دیگر از رعایت آداب سخنوری در سیره رضوی برای پاسخگویی به شبهات است.

۵-۳. استقبال از پرسش و شبهه

بنا بر گزارش علی بن جهم، بردباری امام رضا (ع) در شنیدن و پاسخ به شبهات چنان فراوان بود که تنها در یک نمونه به چهارده شبههٔ پیاپی مأمون پیرامون عصمت پیامبران پاسخ دادند و به ۵۷ فراز از آیات قرآن، شماری از احادیث پیامبر خدا (ص)، گزارش‌های تاریخی و ده‌ها دستگاه استدلال منطقی استناد فرمودند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۲۶).

به گواهی حاکم نیشابوری، امام (ع) در زمان سکونت در مدینه، ساعاتی از روز را به پاسخگویی سؤال‌ها و شبهات در مسجد نبوی اختصاص می‌داد (نیشابوری، بی تا، ۱۳۱). مناظرهٔ امام رضا (ع) با سلیمان مروزی، متکلم بزرگ خراسانی نیز دربردارندهٔ پرسش‌ها و شبهات فراوان سلیمان از امام و پاسخ‌های متکی بر برهان بود که در ماندگی سلیمان از ادامهٔ مناظره را در پی داشت (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۰۴). از سوی دیگر، گزارش حسن بن محمد نوفلی از مناظرهٔ امام با دانشوران ادیان و مکاتب، دربردارندهٔ استقبال امام هشتم علیه السلام برای مناظره با دانشور و رهبر معنوی زردشتیان آن روزگار است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۱۰). همچنین، با وجود پرسش‌های فراوان عمران صابی دربارهٔ وجود واحد و بایسته‌های آن، امام (ع) با جملاتی مانند «سَلِّ عَمَّا أَرَدْتَ» و «سَأَلْتَ فَأَفْهَمِ الْجَوَابَ» او را به پرسشگری بیشتر دعوت کردند. همین رفتار سبب علاقه‌مندی وی به امام رضا (ع) و پذیرش اسلام شد تا جایی که وی یکی از پاسخگویان شبهات کلامی پیرامون توحید گشت (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۹).

استوارسازی پاسخ شبهه بر منابع شناختی مورد قبول شبهه‌گر نیز یکی از روش‌های علمی - اخلاقی پاسخگویی به شبهات است. امام رضا (ع) این روش را به قدری بایسته به کار می‌بردند که سبب تشویق مخاطب در پرسش از نادانسته‌های دیگرش می‌شد. برای نمونه، امام پس از استناد به انجیل در مقابل رهبر کاتولیک‌های آن دوره، وی را در پرسیدن هر پرسشی آزاد گذاشت. ایجاد این فضای باز شناختی، جاثلیق را چنان مشتاق نمود که نادانسته‌های خود دربارهٔ حواریون حضرت عیسی (ع) را از ایشان جويا شد. دعوت‌های سه‌گانهٔ امام هشتم علیه السلام

به پرسشگری مجدد، برای جاثلیق چنان اثربخش بود که وی از ادامه مناظره با امام خودداری کرده و به برتری علمی و اخلاقی امام هشتم علیه السلام گواهی داد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۸/۲). فرمایش «تسألنی أو أسألك؟» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۶۴/۱) به پیشوای یهودیان نیز گواهی بر آمادگی امام هشتم (ع) برای پاسخگویی به هر شبهه‌ای است.

۵-۴. ایجاد اشتیاق در مخاطب و تشویق وی به همراهی

برانگیختن مخاطب برای همراهی کردن در فرازهای مختلف گفتگو و مناظره، یکی از راه‌های زدودن گام‌به‌گام شبهات از صفحه ذهن اوست. این روش را با نام «همراهی سقراتی» نیز می‌شناسند. آغاز کردن کلام از قضایای بدیهی و وجدانی و مبانی مشترک میان دو سوی شبهه، زمینه‌ساز گفتگو و تبیین استوار پاسخ‌های مُجیب خواهد بود.

در سیره رضوی، تمایل مخاطب برای ادامه گفتگو، گواهی بر همدلی و همراهی مخاطب با کلام امام رضا علیه السلام و اشتیاق وی برای یافتن پاسخ است. اشتیاق سلیمان مروزی برای فهم بیشتر درباره مفهوم بقاء، نمونه‌ای از کاربرد مناسب این روش است (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۰۶). تشویق مخاطب، افزون بر اینکه تشکر از او در پذیرش حق شمرده می‌شود، زمینه تعامل بیشتر با او را فراهم می‌سازد. برای نمونه، نوفلی جریان‌های پسامناظره امام رضا (ع) با عمران صابی و پیروزمندی برهان امام را چنین گزارش می‌کند که امام به دنبال عمران فرستاد و هدایایی به او بخشید و در مجلسش او را تکریم کرد (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۴۰) و او را به نمایندگی خود در اخذ وجوهات یکی از مناطق خراسان برگزید. وی نیز با اختیار مذهب تشیع، یکی از مدافعان مسائل کلامی گردید (همو، ۱۳۷۸: ۱۷۹/۱).

۵-۵. پایبندی به هدایت و اقناع مخاطب

نگرش باز به مسائل، تعهد به تأثیرگذاری در مخاطب، آمادگی برای بازگویی مطالب، توجه‌دادن مخاطب به بازاندیشی در دانسته‌های خود (حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۲۴) نمونه‌هایی از پایبندی امام (ع) برای فهماندن مطالب به مخاطبان است.

برای نمونه، در مناظره امام با پیشوای مسیحیان، سرعت بخشی به فهم مخاطب با واسطه‌گری در تبیین صحیح مبانی شناختی او، رساندن مخاطب به فهم انتقادی و پیراسته و بهبود خودآگاه نقش آفرینی مخاطب در جریان مناظره، کاملاً آشکار است. همچنین، در مناظره با رأس الجالوت نیز توصیه امام رضا (ع) به وی درباره فهم و اندیشیدن درباره موجود اول، گزارش شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۲۱/۲).



مرحوم صدوق در روایتی، پرسش فقهی ابوهاشم جعفری درباره چگونگی نماز شخص مصلوب را با پاسخی به روش تبیین آشکار مطلب از جانب امام رضا (ع) و دعای ایشان برای فهم پاسخ در اندیشه مخاطب، گزارش می کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۵۶/۱). در پایان این روایت، امام (ع) برای هدایت یابی ابوهاشم دست به دعا برداشتند که نشانگر مسئولیت پذیری ایشان در هدایت مخاطب است.

۵-۶. توجه به آزادی اندیشه و بیان

تبیین معارف دینی نیز در سپهری به دور از تنش های برتری جویانه شکل می گیرد. از این رو، رسانیدن حس آرامش و امنیت به مخاطب در فضای گفتگو بسیار نقش آفرین است. قرآن کریم نیز با توصیه به فراهم آوردن شرایط امن، حس پناه جویی و انتخاب آزاد را در مخاطب پررنگ می سازد (توبه: ۶). یکی از آشکارترین ویژگی های پارادایم فرهنگی عصر رضوی، آزادی اندیشه و بیان است. حضور دانشوران غیرمسلمان و نیز فرقه های مسلمانان مخالف مکتب اهل بیت (ع) بهترین گواه بر وجود آزادی های ظاهری فکری و سیاسی در آن روزگار است.

بنا بر گزارش نوفلی، امام رضا (ع) پس از مناظره با هربرد، رو به حاضران فرمودند: «يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ فِيكُمْ أَحَدٌ يُخَالِفُ الْإِسْلَامَ وَ أَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ فَلْيَسْأَلْ غَيْرَ مُحْتَشِمٍ» (جزائری، ۱۴۲۷: ۳۷۷/۲). پیام این عبارت به روشنی، آزادی گفتمان و گفتگوی مخالفان اسلام در اظهار عقاید و شبهات خود به اسلام است.

از آنجا که هدف از پاسخگویی، تبیین حقیقت است، بایسته است تا رقیب را در تغییر دادن نظرات برای دستیابی به پاسخ اقناعی، آزاد و در چیدمان مقدمات استدلال خویش و تغییر مواضع مختار گذاشت. دعوت امام رضا علیه السلام به پرسشگری و ایجاد فضای باز سیاسی و علمی به گونه ای بود که باورمندان به الوهیت ستارگان و خدا ناباوران، به سادگی شبهات خود درباره پروردگار و مخالفت با اسلام را، در حضور مقامات سیاسی دوران بیان می کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸/۳). به عبارت دیگر، توجه به جایگاه سیاسی امام به عنوان مقام سیاسی دوم مملکت اسلامی اهمیت این امر را مضاعف می نماید.

۵-۷. استواری دلیل و برهان مداری

استوارسازی پاسخگویی به براهین انکارناپذیر خردورزان، سبب ساده سازی فهم کلام می شود. امام رضا (ع) نیز در پاسخ به شبهات مرتبط با آموزه های بنیادینی چون توحید، چگونگی صفات پروردگار، چیستی، لوازم و بایسته های امامت، عصمت انبیا و معاد، کلام خویش را بر براهین و

پذیرفته‌های بدیهی عقل استوار می‌ساختند. امام رضا (ع) با آموختن بن‌مایه‌ها و قواعد عقلانی به شاگردان خویش، روش‌هایی برای پاسخ به شبهات پی‌ریزی می‌کرد. برای نمونه، برای پاسخ به شبهات حوزه ناهمخوانی اراده و تقدیر الهی با اختیار آدمی، اصل «واسطه بودن مخلوقات در نقش اسباب جریان عالم» را برای پاسخ به همه شبهات این عرصه کافی دانست (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۸). از سوی دیگر، بنیان‌نهادن شبهه تثلیث مسیحیت بر براهین عقلی مانند مخلوق بودن حضرت عیسی (ع)، شباهت او به سایر آدمیان و عبادت‌های ایشان، سبب سکوت جاثلیق از ادامه شبهه‌گری شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۵۹/۱).

روش ورود به پاسخ و خروج از آن، همگی با توجه به مخاطب و گونه شبهه در اسلوب‌هایی روشن قرار می‌گیرند که سبب حفظ صورت منطقی گفتار می‌شود. آغاز سخن از براهین مقدماتی و نتیجه‌گیری در انتهای سخن در همه پاسخ‌های امام رضا (ع) به چشم می‌خورد. برای نمونه، ایشان برای پاسخگویی به شبهه مأمون پیرامون ناسازگاری عصمت آدم (ع) با آیاتی مانند «وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۱) گام‌های زیر را پیمودند: برشمردن آیات موضوع سکونت آدم در بهشت و چگونگی خوردن از شجره ممنوعه، تفسیر صحیح آیات، تمایز میان تشریح در دنیا با بهشت نخستین آدم و حوا و لزوم عصمت انبیا پس از نبوت. از آنجاکه شبهه مأمون برآمده از فهم نادرست قرآن بود، امام رضا (ع) در پیمایش منطقی خود برای پاسخگویی، همه گام‌ها را بر آیات الهی استوار ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۱۱).

پاسخ‌های ایشان به گره‌های فکری مأمون، چنان استوار و منطقی بود که وی پس از شنیدن هر یک از پاسخ‌های امام علیه السلام به شبهات قرآنی، عبارت «فَرَّجَتْ عَنِّي يَا أَبَا الْحَسَنِ فَرَجَ اللَّهُ عَنكَ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۱/۲) را به زبان می‌آورد. گفتن عباراتی چون «بارک الله فیک»، «جزاک الله عن الأنبياء»، «صدقت یابن رسول الله»، «لِلَّهِ دَرَكٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ» و «لقد شفیت صدی» (همان: ۷۹) از شخصی مانند مأمون، نشانگر استواری سخن، منطقی بودن براهین و آگاهی کامل امام رضا (ع) از قرآن بود که سبب تمجید و تحسین بزرگترین دشمنان نیز می‌شد. ابراهیم بن عباس در گزارشی، تمامی پاسخ‌های امام رضا (ع) به این شبهات را برآمده از قرآن دانسته است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۷/۶).

۵-۸. پرهیز از آفات مناظره به ویژه مجادله و مغالطه

هدف از مناظره مطلوب و پاسخگویی به شبهات، نمایاندن حق و قانع کردن مخاطب است نه به دام انداختن او برای ساکت شدن. مقصود از آفات مناظره، هر عمل یا انگاره غیراخلاقی و غیرعلمی است که مناظره را از مسیر حق‌جویی خارج می‌سازد. رفتارهایی چون حسد، دروغ،

تحریف انگاره‌ها، خودبرتر بینی و انواع مغالطه، نمونه‌هایی از این آفات هستند. با نگاهی به سیره رضوی می‌توان دریافت امام رضا (ع) با رفتار خویش آفات و کج‌تابی‌های دوسوی مناظره و پاسخگویی به شبهات را به حداقل می‌رساندند. پیشگیری از این آسیب‌ها در گرو احراز شرایط پاسخگویی و مناظره و پایبندی به بایسته‌های اخلاقی آن است.

اگرچه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های شبهه‌گری و در پاره‌ای موارد پاسخگویی، استفاده از مغالطه کوچک‌نمایی است، لکن امام رضا (ع) برای اثبات نادرستی باورهای مخالفان هرگز این روش را به کار نداشتند. نمونه‌های فراوانی از امانتداری در انگاره‌های شبهه‌گر و پرهیز از تحریف آن‌ها را در مناظرات حضرت با دانشمندان سایر ادیان و دقت در نقل گزاره‌های مقبول آن‌ها می‌توان دید (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۵۴-۱۵۸). کاربست مغالطه کوچک‌نمایی توسط سلیمان مروزی نیز، پاسخی جز استدلال‌های منطقی و رعایت آداب علمی و اخلاقی، در بر نداشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۸/۴۹).

۹-۵. فروتنی و پرهیز از کبر

تکبر در لغت به معنای خود را بزرگ پنداشتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۷) و در علم اخلاق، برتر دانستن خود از دیگران و تحقیر و خوار دیدن آن‌هاست. یکی از اجزای اصلی شبکه شناختی شبهه‌گران، کبر علمی است. خوی متکبرانه زمینه‌ساز رویگردانی از راه کمال و میل به انحراف فکری و عملی می‌شود (اعراف: ۱۴۶). امام رضا علیه السلام با وجود دارا بودن مقام امامت و برترین دانش‌ها، رفتاری فروتنانه داشتند و به سبب این سیره، سبب زدودن بسیاری شبهات می‌شدند.

برای نمونه، مهرورزی امام به همسفران و خادمان و حضور بر سفره طعام آن‌ها، در کنار استدلال بر یکسان دانستن منشأ خلقت همه آدمیان، سبب زدودن شبهه رفتاری یکی از همراهان حضرت درباره برتری ظاهری افراد گردید (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۳/۴). همچنین، گزارش رفتار و گفتار نیکوی امام هشتم توسط معروف کرخی برای پدرش، سبب زدودن شبهات وی پیرامون پذیرش اسلام با وجود آیین مسیحیت، گردید (مازندرانی، ۱۳۷۹: ۳۶۱/۴). در همین زمینه، حضور امام در مجلس مناظره‌ای که مأمون سامان داده بود، گواهی بر فروتنی حضرت در مقابل دانشوران ادیان و مذاهب بود، زیرا مأمون، امام را میان حضور در قصر سلطنتی یا حضور دانشمندان در محضر امام (ع)، مخیر کرده بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۰/۱۰). امام رضا (ع) شبهه عباسیان درباره بر خوردار نبودن امام از شایستگی علمی کافی برای ولایتعهدی را بدون هیچ اشاره‌ای به توانمندی علمی خویش، فروتنانه پاسخ گفت و تنها به یادکرد پروردگار هستی

و ابطال انگاره‌های سنخیت و عینیت میان خالق و مخلوق با براهین استوار پرداخت (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۰۰).

روح حاکم بر مناظره امام و سلیمان مروزی پیرامون شبهات مرتبط با آموزه بَداء و اراده الهی، فروتنی در برابر شبهه‌گری است که او را در مقابل پرسش‌های خویش ناتوان می‌پنداشت (جزایری، ۱۴۲۷: ۱/۲: ۳۷۸). فروتنی امام در برابر شبهه رهبر مسیحیان به گونه‌ای سبب ایجاد فضای باز علمی شد که وی در حضور دانشوران مسلمان و عالی‌ترین مقام دستگاه سیاسی اسلام، به شبهه‌گری علیه اسلام و نبوت پیامبر (ص) پرداخت (عروسی، ۱۴۱۵: ۳۱۳/۵).

۵-۱۰. انصاف و عدالت

امام رضا (ع) نه تنها انصاف و عدالت اخلاقی و علمی را یکی از بایسته‌های باورمندی به عقاید می‌دانست، بلکه به رعایت آن در طرح شبهات و پاسخگویی به معارضان توصیه می‌فرمود. ایشان یکی از شالوده‌های انصاف را مناظره بر مبنای نظام معرفتی، کتاب مورد قبول، پیامبر (ص) و شریعت پذیرفته‌شده از سوی دیگر مناظره می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۴۹: ۸۱). سخن گفتن با هر شبهه‌گری بر اساس بایسته‌های زبانی و شناختی متناسب با آن‌ها (همان: ۷۵) نیز نمونه‌ای از کاربست این روش است.

برای نمونه، وقتی رهبر کاتولیک‌های روزگار مأمون، برای اثبات نبوت پیامبر اسلام دو شاهد غیر مسلمان از امام رضا علیه السلام طلب نمود، امام با فرمودن عبارت «الآن جئت بالنصفه»، روش علمی را منصفانه ارزیابی کرد و با معرفی یوحنا دیلمی و قسطاس رومی به عنوان دو شاهد آگاه بر سخنان حضرت عیسی (ع)، رضایتمندی جاثلیق را کسب کرد (حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۱/۱۹۵). امام رضا (ع) در جریان این مناظره با اقرار گرفتن از وی، درباره صحت آموزه‌های اناجیل چهارگانه با گواه گرفتن حاضران در مجلس، به شبهه عدم نیاز به پیامبر اسلام (ص)، با استناد به همان چهار انجیل پاسخ گفت (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲: ۴۲۱).

۵-۱۱. مدارا و تسامح دینی

هدایتگری علمی و رفتاری پیشوایان معصوم شیعه، همواره با بردباری در مقابل سختی‌ها، گزافه‌گویی‌ها و خواسته‌های مردم آمیخته است. پیامبر رحمت (ص) در این باره می‌فرماید: «وَإِنَّ أَوْلَىٰ أَبْرَارٍ عِزِّي وَ أَطَائِبِ أَرْوَمِي أَحْلَمَ النَّاسِ صِغَارًا وَ أَعْلَمَ النَّاسِ كِبَارًا أَلَا وَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَ بِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا» (مفید، ۱۴۱۳: ۱/۲۴۰). در سیره رضوی نیز، رفق و مدارا یکی از شاخصه‌های رفتاری در مناظرات شمرده می‌شود. سختگیری و نداشتن

تسامح دینی یکی از آسیب‌های درون‌دینی است که ضربه‌های فراوانی به هم‌افزایی مذاهب و گفتگوی میان ادیان وارد کرده است. قرآن نیز با آزاد دانستن باطنی انتخاب دین (بقره: ۲۵۶)، پیامبران را با اوصافی چون بشیر، نذیر و پیام‌رسان معرفی کرده است (یس: ۱۷؛ سبأ: ۲۸). آیاتی چون «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده: ۴۸)، «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ» (حج: ۶۷)، به رعایت ادب اسلامی در برابر صاحبان ادیان، پرهیز از سختگیری‌های بی‌مورد و انتقاد نابجا از مناسک و آداب ایشان رهنمون هستند. یادکرد این نکته بایسته است که تسامح دینی، هرگز به معنای پذیرش همه مبانی، باورها و آداب ادیان و مذاب گوناگون نیست، بلکه تنها راهی برای گفتمان‌سازی و توجه به نقاط مشترک بوده و نتیجه مبارک آن، علاقه‌مندسازی سایر ادیان به اسلام است.

امام رضا (ع) نیز یکی از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۹/۳) و در پاسخ شبهه یکی از شیعیان درباره چرایی رفتار نیک با والدین مخالف مکتب اهل بیت (ع) می‌فرماید: «برای آن‌ها دعا کن و صدقه بده، حتی اگر حقیقت امامت را نپذیرفته باشند و با آن‌ها سازش کن، زیرا پیامبر خدا با رحمت برانگیخته شد نه با نامهربانی» (حرانی، ۱۳۶۶: ۴۲۶). مناظرات و نامه‌نگاری‌های امام رضا (ع) با پیروان سایر ادیان و حتی مخالفان سرسختی چون سلیمان مروزی، آکنده از خیرخواهی بوده و امام (ع) در نقش پیشوای معنوی و تکوینی همه موجودات، با دلسوزی در پی راهنمایی و هدایت گمراهان به سوی حقیقت بوده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۷۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۵/۲۷۰).

شیخ صدوق، یکی از اشعار منسوب به امام رضا (ع) را که مفاهیمی مانند فضیلت سازش اسلامی، صلح‌جویی، گذشت و همزیستی مسالمت‌آمیز را در بردارد، چنین گزارش کرده است:

و ذی غَلَّةٍ سَالَمْتَهُ فَقَهْرْتَهُ فَأَوْقَرْتَهُ مَنِي لَعْفٍ وَالْتَجَمَلْتَهُ
وَمَنْ لَا يُدَافِعُ سِيئَاتِ عَدُوِّهِ بِإِحْسَانِهِ لِمَ يَأْخُذُ الطَّوْلَ مِنْ عِلِّهِ
و لِمَ أُرْفَى فِي الْأَشْيَاءِ أَسْرَعُ مَهْلِكًا لِعِمْرِ قَدِيمٍ مِنْ وَدَادٍ مُعَجَّلْتَهُ

«بسا دشمن پرکینه‌ای که با او سازش کردم و بر وی غالب آمدم. سپس با بخشش ارزشمند، او را تکریم کردم. هر کسی که اعمال ناروای دشمن خود را با نیکی دفع نکند، در بخشش و احسان به روش بزرگواران عمل نکرده است و برای زدودن کینه‌های قدیمی، هیچ چیز را از مهرورزی اثربخش‌تر نیافتیم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲: ۱۷۵).

یادکرد این نکته شایسته است که در سیره رضوی مواردی را می‌یابیم که حضرت با قاطعیت فراوان و حتی نفرین به برخی جریان‌ها رفتار کرده‌اند. این روش در برخورد با جریان‌های افراطی

مانند غالیان، فرقه‌های منحرف‌کننده از اصول امامت مانند واقفیه و نیز باورمندان به انگاره‌های نادرست دربارهٔ پروردگار مانند مجسمه و مشبّهه، رخ نموده است. امام (ع) در این گونه موارد، سازش‌ناپذیر، دقیق، بدون اغماض و بسیار حسّاس بودند.

۵-۱۲. تعلیق عقاید

گاهی میان باورهای بنیادین شبهه‌گر و پاسخگو هیچ وجه مشترکی وجود ندارد، لذا لازم است تا پاسخگو برای بیان نادرست بودن انگارهٔ شبهه‌گر در گام نخست مناظره، از اثبات عقاید خود و نیز داوری دربارهٔ نادرستی شبهه دست بردارد و در گام پسین با به‌کاربردن قیاس ذوحدین، برهان خلف و تبیین لوازم و بایسته‌های منطق شبهه، ناروا بودن آن را آشکار سازد. این روش که به «پدیدارشناسی اپوخه» نیز مشهور است، به‌معنای تعلیق موقت عقاید فردی و به تعویق انداختن داوری دربارهٔ باورهای سوی مقابل است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

نمونه‌ای از کاربری این روش را در مناظره امام رضا (ع) با خدا ناباور منکر معاد، می‌توان دید. در این مناظره، امام به جای ردّ شبهه او در نبود جهان آخرت، تنها به بایسته‌ها و لوازم باورمندی به معاد و عدم آن اشاره کرد و از داوری ابتدایی دربارهٔ عقیدهٔ شبهه‌گر و نیز اثبات عقیدهٔ خود صرف‌نظر کرد تا با نمایاندن اصل منطقی و جوب دفع خطر محتمل، ناروا بودن معاد ناباوری را به اثبات برساند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۱۹۴). نامه امام در پاسخ به شبههٔ یزید بن معاویه شامی دربارهٔ ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، نمونه‌ای دیگر از کاربری این روش است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۲۶). ظاهر پاسخ امام در بردارندهٔ دفاع اولیه یا ابطال مستقیم هیچ یک از دو انگارهٔ جبر و اختیار مطلق نیست و تنها بر نادرستی بایسته‌ها و لوازم هر دو باور متکی است تا راه سومی به نام «امر بین امرین» را پاسخی مناسب برای این گره ذهنی معرفی کند.

۵-۱۳. هشدار دادن به مخاطب در شبهات پیرامون آموزه‌های بنیادین اسلام

بنا بر متون روایی، اندیشیدن و پرسشگری در همهٔ امور رشدآفرین است، اما پرسش و شبهه دربارهٔ جزئیات چیستی پروردگار، نتیجه‌ای جز اضطراب و تشویش عقل و گمراه‌شدن خویش و دیگران در بر ندارد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴/۳۸۳). از این‌رو، پرسشگری در این حوزه ممنوع شمرده شده است (حرعاملی، ج ۱۶، ص ۱۹۵).

امام هشتم در پاسخ شبههٔ یکی از حدیث‌پژوهان هم‌عصر خویش به نام ابوقره، پیرامون تکلم مادی پروردگار با حضرت موسی (ع) وی را از بازگویی چنین باورهایی زنهارد داد و با فرمودن عبارت «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا تَقُولُ وَمَعَادَ اللَّهِ أَنْ يُشْبِهَ خَلْقَهُ أَوْ يَتَكَلَّمَ مَا هُمْ بِهِ مُتَكَلِّمُونَ»



(مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۴۴)، پاسخگویی خویش را با هشدار تکان‌دهنده آغاز کرد. باید توجه داشت، در فرازهای دیگر همین مناظره، استدلال‌های امام بر براهین عقلی و نقلی استوار بود و تنها به سبب اهمیت مباحث خداشناسی، لازم بود تا امام انگاره‌های نادرست این سپهر را با هشدار اولیه در هم شکند.

نفرین امام بر باورمندان به‌راستی انتساب حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۵۳) نیز نمونه‌ای دیگر از این هشدارهاست که انگاره شبهه‌ناک تشبیه آدمی به پروردگار را با چالش روبه‌رو می‌کند. در مناظره با یکی از خدا ناباوران نیز امام با عبارت «وَيُلِكُ، إِنَّ الَّذِي ذَهَبَتْ إِلَيْهِ غَلَطٌ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۱۹۴)، لرزشی سهمگین در انگاره‌های ناروای او درباره پروردگار ایجاد کرد.

یکی از راه‌های هشدار در کلام، سوگند است. سوگند، تأکیدی است که برای نمودار کردن اهمیت مطلب به کار می‌رود (سیوطی، ۱۴۴۰: ۲/۲۵۹). امام هشتم با بهره‌گیری از این راهکار تربیتی، در ابتدای مناظره با جاثلیق، وی را به عیسی (ع) و مادرش سوگند داد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۰۶) و از این طریق زمینه آگاهاندن وی درباره نادرستی شبهه الوهیت مسیحی را آماده ساخت تا با استناد به براهین نقلی و عقلی، این شبهه را بزدايد. افزون بر این، کاربرست عبارت سوگندی «بِحَقِّ الْإِبْنِ وَ أُمِّهِ»، کنایه‌ای به باور قدیس خداانگارانۀ اقا نینم سه‌گانه (پدر، پسر و روح القدس) در سنت مسیحی بود.

هشدار دادن به عمران صابی با عبارت «سَلِّ يَا عِمْرَانُ وَ عَلَيْكَ بِالنَّصْفَةِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطَلَ وَ الْجَوْرَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۶۸)، برای رعایت عدل و انصاف و پرهیز از گفته‌های ناروا پیرامون پروردگار، نمونه‌ای از قاطعیت امام در پاسخگویی به شبهات مربوط به توحید است. روشمندی رفتاری امام رضا (ع) در پاسخ به شبهات یکی از خدا ناباوران، چنان اثربخش بود که سبب مسلمان شدن وی گردید. برخی از آداب و روش‌های ایشان در مقابل زندیقان عبارت است از: هشدار دادن در زمان انگاره‌های ناروا درباره خدا، نفی انحصارگرایی شناختی، گزیده‌گویی، استحکام سخن (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۹۶).

۵-۱۴. حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از شبهه‌گری درباره آن

امام (ع) به‌جای شبهه به باورهای نادرست ادیان ابراهیمی، آموزه‌های استوار و درست باورمندان به این ادیان را شرح و تبیین می‌فرمود. توجه به این نکته بسیار مهم است که ادیان آسمانی به واسطه اشتراک در آبخور معارف و آموزه‌ها، جبهه واحدی در برابر خدا ناباوران و مکاتب غیرتوحیدی شمرده می‌شوند. تضعیف آن‌ها در برابر جبهه مقابل، اردوگاه همه باورمندان به

توحید را با چالش روبه‌رو می‌سازد. از این‌رو، پاسداران راستینِ حریم اسلام، هیچ‌گاه به شبهه‌گری مغرضانه علیه سایر ادیان اقدام نمی‌کنند، اما با یادآوری و هشدار نسبت به انحراف‌ها، کجروی‌ها، برداشت‌های سلیقه‌ای و تحریف‌ها، در زدودن آن‌ها می‌کوشند.

کاربست جدال احسن در برابر شبهه‌گران منتسب به سایر ادیان آسمانی، تنها در حوزه فروع و آموزه‌های جنبی و انحرافات در آن‌هاست نه ایجاد تشکیک در اصالت این ادیان. امام رضا(ع) نیز با کاربری این روش، هرگز در بنیان‌های وجودی این ادیان، شبهه‌انگیزی نکردند بلکه با توجه دادن شبهه‌گران به بایسته‌ها و لوازم فاسدِ انگاره‌های خود در عقاید و احکام فرعی، به آن‌ها هشدار می‌داد.

مناظره امام رضا (ع) با رهبر دینی زردشتیان زمانه خود، گواهی بر حفظ اصالت همه ادیان الهی در مقابل شبهه‌گران است. در این گفتگو، هربد بزرگ، دلیل باورمندی خود به نبوت زردشت را گزارش‌های تاریخی بر وجود او و احکام متفاوت کیش زردشتی نسبت به سایر ادیان می‌دانست. امام (ع) در مقام دفاع از ستیر ادیان الهی، همین دلایل را برای حقیقت این ادیان نیز کافی دانست و از این طریق، به شبهه عدم نیاز به شرایع موسوی، عیسوی و پیامبر خاتم پاسخ گفت (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۰).

علاوه بر موارد مذکور، نمونه‌های دیگری از آداب و اخلاق پاسخگویی به شبهات را در سیره رضوی می‌توان یافت که کاربری آن‌ها در شبهه‌پژوهی، به آماده‌کردن پاسخی اثربخش خواهد انجامید. نمونه‌هایی از این روش‌ها عبارتند از: رعایت تناوب و ترتیب در نتیجه‌گیری و پاسخگویی، پرهیز از طولانی‌کردن پاسخ، کاربری الفاظ محترمانه برای مخاطب قرار دادن شبهه‌گر و مهرورزی به خودی‌های دچار شبهه.

افزون بر این روش‌های اخلاقی و علمی، امام از روش‌های دیگری نیز برای بیدار کردن فطرت حق‌جوی آدمی بهره می‌گرفت. پاسخ به سؤال‌های ذهنی طرح نشده، آگاهاندن از امور مخفی بر همگان، دعا برای زدوده‌شدن انحراف‌های فکری و اخبار از ضمیر افراد، همگی نمونه‌هایی هستند که امام هشتم با کاربری آن‌ها سبب زدودن شبهات شناختی و عملی افراد می‌شد (حسینی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۷۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۷۱).

امامان معصوم(ع) نه‌تنها در زمان حیات ظاهری شبهات فکری و عملی جویندگان حقیقت را می‌زدودند، بلکه پس از حیات مادی نیز سبب هدایت آن‌ها می‌شدند. برای نمونه، گزارش شیخ صدوق از هدایت یافتن یکی از تردیدکنندگان در امامت امام رضا(ع)، به نام محمدبن عمر نوقانی، نمونه‌ای از این راهگشایی‌هاست. در این گزارش، وی با دیدن نوری در اطراف محل دفن امام هشتم (ع) و گشوده‌شدن درهای بسته حرم رضوی، از شبهه‌گری درباره امامت امام رضا (ع)

دست برداشت و به همراه مادرش مذهب تشیع را برگزید (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۳۴۵/۴).

نتایج:

۱. اصول، قواعد و آداب گفتگوی دانش‌بنیان، همواره مورد توجه دانشوران علوم گوناگون به‌ویژه علم اخلاق و رفتارشناسی بوده است. روش‌شناسی رفتار و گفتار امام رضا (ع) که بر نظام اخلاق اسلامی استوار است، الگویی مناسب برای پاسخگویی به شبهات در همهٔ زمان‌هاست. بازیابی نظام مذکور در گرو تحلیل احادیث و سیره‌پژوهی رضوی و آگاهی از بایسته‌های دانش کلام اسلامی است.
۲. رعایت آداب مناظره و دانش فراوان امام هشتم (ع)، برای همهٔ دانشوران روزگار حضرت آشکار بود. احترام به مخاطب و عدم اهانت به مقدسات او در سیرهٔ رضوی جایگاه مهمی دارد. امام رضا (ع) برای رسیدن به درک همدلانه با مخاطب، کلام را به نرمی و توازن بیان کرده و از سخنان رنج‌آور خودداری و از مناظره‌گران با عبارت‌های آمیخته با محبت و احترام استقبال می‌کردند. رفتار متواضعانه در مجلس گفتگو، قطع‌نکردن سخن‌گوینده با وجود استدلال نادرست، از دیگر آداب پاسخگویی امام (ع) به شبهات است.
۳. امام هشتم (ع) با بردباری از پرسش و شبههٔ استقبال و در مخاطب برای ادامه گفتگو و یافتن پاسخ، اشتیاق ایجاد می‌کردند و به هدایت و اقناع مخاطب پایبند بودند.
۴. از سیرهٔ رضوی، توجه به آزادی‌اندیشه و بیان است. دعوت امام هشتم (ع) به پرسشگری و ایجاد فضای باز سیاسی و علمی به‌گونه‌ای بود که خدا ناباوران به‌سادگی شبهات خود دربارهٔ پروردگار و مخالفت با اسلام را در حضور مقام‌های سیاسی دوران بیان می‌کردند.
۵. امام رضا (ع) انصاف و عدالت اخلاقی و علمی را یکی از بایسته‌های باورمندی به عقاید می‌دانست و به رعایت آن در طرح شبهات و پاسخگویی به معارضان توصیه می‌فرمود. همچنین، فروتن بود و از غرور علمی پرهیز داشت.
۶. هدایتگری علمی و رفتاری امام، با بردباری، مدارا و تسامح دینی همراه بود. در عین حال، نسبت به انحراف از حق و نسبت‌های ناروا به خداوند متعال دادن، به مخاطب هشدار می‌دادند.
۷. حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از شبهه‌گری دربارهٔ آن از دیگر بایسته‌های گفتاری - رفتاری پاسخ به شبهات در سیرهٔ رضوی است.
۸. امام رضا (ع) نیز در پاسخ به شبهات مرتبط با آموزه‌های بنیادینی چون توحید، چگونگی صفات پروردگار، چیستی، لوازم و بایسته‌های امامت، عصمت انبیا و معاد، کلام خویش را بر براهین و پذیرفته‌های بدیهی عقل استوار می‌ساختند و با آموختن بن‌مایه‌ها و قواعد عقلانی،

روش‌هایی برای پاسخ به شبهات پی‌ریزی کردند.
 ۹. با نگاهی به سیرهٔ رضوی می‌توان دریافت، امام رضا (ع) از آفات مناظره و هر عمل یا انگارهٔ غیراخلاقی و غیرعلمی که مناظره را از مسیر حق‌جویی خارج می‌سازد - همچون خودبرتر بینی، تحریف انگاره‌ها، و انواع مغالطات - پرهیز داشتند.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، اول، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن حمید، صالح، اصول الحوار و آدابه فی الاسلام، مکه، دارالمناره، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الأعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الاثمه، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی المعرفه الاثمه، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۸. آقا نوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷ش.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسهٔ بعثت، ۱۳۷۴ش.
۱۰. بروجرودی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۱۱. جزائری، نعمت الله، ریاض الابرار فی مناقب الاثمه الاطهار، بیروت، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۷ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران، دهقان، سوم، ۱۳۸۰ش.
۱۳. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۶ش.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران، دهقان، ۱۳۸۰ش.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۷. حسینی قزوینی، محمد، موسوعه الامام الرضا(ع)، قم، موسسه ولی عصر(عج)، ۱۳۸۷ش.
۱۸. حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامه الحلّی، نجف اشرف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۹. خصاونه، رنده فؤاد، قواعد الحوار مع الاخر فی القرآن الکریم، مجله الجامعه الاسلامیه، شماره ۱۷۲، ص ۱۹۰-۲۲۱.
۲۰. رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۲. زمزمی، یحیی، الحوار آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه، مکه، دارالتربیه و التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۳. سعدی، مصلح الدین، گلستان سعدی، غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲ش.
۲۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قم، ذوی القربی، ۱۴۴۰ق.



۲۵. شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۴ق.
۲۶. شهود، علی بن نایف، الخلاصه فی اصول الحوار و ادب الاختلاف، ریاض، بیجا، بی تا.
۲۷. صالح، صبحی، نهج البلاغه، تهران، راه علم، ۱۳۸۶ش.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. طنطاوی، محمد سید، ادب الحوار فی الاسلام، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷م.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۲. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۳. علوی، سهراب، امام رضا (ع) در رزمگاه ادیان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹ش.
۳۴. فرامرز قراملکی، احد، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزرات علوم، ۱۳۸۹ش.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن حسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۶ق.
۳۷. کامل، عمر بن عبدالله، آداب الحوار و قواعد الاختلاف، مدینه، بیجا، بیتا.
۳۸. لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۶ش.
۳۹. مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لافیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۳. نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، تهران، ابن سینا، بیتا.
۴۴. واسعی، سید علیرضا، درآمدی بر روش های تبلیغی ائمه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.